

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸
صص: ۱۱۷-۱۴۴

نقد و بررسی مدخل ابوطالب در ویرایش‌های سه‌گانه دایرةالمعارف اسلام چاپ لیدن (EI)

محمد محمودپورا^۱

چکیده

ابوطالب از محوری‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در بسیاری از وقایع عصر پیامبر (ص) به‌ویژه در دوره بعثت تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد شناخت نقش ایشان در تحولات دوره بعثت، معیاری برای شناخت جایگاه خاندان پیامبر (ص) در به ثمر نشستن رسالت است. مسئله اصلی پژوهش این است که نویسندگان **دایرةالمعارف اسلام چاپ لیدن** که مشهورترین و کامل‌ترین دایرةالمعارف موجود درباره اسلام است، چه تصویری از ابوطالب نشان می‌دهد. در این مقاله با بررسی محتوای ویرایش‌های سه‌گانه ابوطالب که به قلم بوهل، وات و روبین نوشته شده، نشان داده شد که هیچ‌کدام از این سه مقاله چنان‌که بایسته است دایرةالمعارفی نیستند. این مقالات نه تنها از منابع مناسب و پژوهش‌های مسلمانان به‌ویژه شیعیان استفاده نکرده‌اند، بلکه حتی بازتاب‌دهنده آثار و پژوهش‌های غربی‌ها درباره ابوطالب نیستند. این مقالات به صورتی کاملاً محسوس متمایل به اندیشه‌ها و آرای اهل سنت است؛ درحالی‌که هدف اصلی مقالات دایرةالمعارفی، دوری از جانبداری‌های فرقه‌ای و ساماندهی و بازتاب آخرین و مهم‌ترین اطلاعات موجود از آن مدخل در پژوهش‌های انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: ابوطالب، یوری روبین، دایرةالمعارف اسلام، فرانتس بوهل، مونته‌گمیری وات.

۱. استادیار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، m.mahmoudpour@rch.ac.ir

۱- مقدمه

دایرةالمعارف‌ها یکی از انواع کتاب‌های مرجع‌اند که پس از توسعه دانش بشری برای ساماندهی و بازیابی سریع و مؤثر دانش به رشته تحریر درآمده‌اند. دایرةالمعارف که در زبان فارسی به آن «دانش‌نامه» نیز گفته می‌شود، از نظر کلی به دو حوزه عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند و در هر دو صورت برای دسترسی سریع و مؤثر مخاطب به آخرین و درست‌ترین اطلاعات طراحی و تنظیم می‌شوند. در میان دایرةالمعارف‌های تخصصی در حوزه اسلام، **دایرةالمعارف اسلام**^۱ طبع لیدن که به اختصار «EI» و در زبان فارسی نیز اختصاراً به «د. اسلام»، معروف شده است، مهم‌ترین و یگانه دایرةالمعارف کامل در حوزه اسلام است. اساساً دایرةالمعارف‌ها و به‌ویژه این دایرةالمعارف از نظر محتوا، روش و منابع بر روی مطالعات اسلامی تأثیر بسیاری داشته است. افزون بر این، «د. اسلام» بر روی جریان دایرةالمعارف‌نویسی در جهان اسلام به‌ویژه در ایران، ترکیه، مصر و پاکستان تأثیرگذار بوده است، چراکه اولین تلاش‌های مسلمانان در حوزه دایرةالمعارف‌نویسی به سبک جدید، با نگاه به «د. اسلام» صورت پذیرفته است. البته با توجه به اینکه عموم مسلمانان به تحقیقات غربی درباره اسلام چندان خوش بین نیستند، اولین تلاش‌ها در جهان اسلام با ترجمه همراه با اصلاح و تکمیل مداخل «د. اسلام» صورت پذیرفته است. ایده تدوین «د. اسلام» نخستین بار در نهمین همایش بین‌المللی خاورشناسان در لندن مطرح و مصوب شد. این مجموعه پس از سال‌ها بحث و بررسی در نهایت برای نخستین بار در شهر لیدن هلند در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۶ میلادی هم‌زمان به زبان‌های انگلیسی و فرانسه و کمی بعدتر به زبان آلمانی منتشر شد. این مجموعه که بعدها به نام ویرایش نخست «د. اسلام» (EI)^۲ معروف شد، دارای ۸ مجلد و

1. The Encyclopaedia of Islam

2. First Encyclopaedia of Islam, Leiden: Brill, 1987.

یک تکمله و حاوی حدود ۵۰۰۰ مدخل اصلی است. ویرایش نخست «د. اسلام» در واقع حاصل گردآوری نظام‌مند اسلام‌شناسی غربی‌ها تا آن زمان بود. با توجه به کاستی‌های ویرایش نخست و رشد مطالعات اسلام‌شناسی در غرب، در سال ۱۹۴۸ میلادی، در بیست‌ویکمین همایش بین‌المللی خاورشناسان مصوب شد تا ویرایش جدید از «د. اسلام» انجام شود. این ویرایش جدید که بعدها با نام (EI) مشهور شد، در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۲ میلادی در یازده جلد و یک جلد تکمله (در سال ۲۰۰۴ م)، حاوی ۹۵۰۰ مدخل اصلی در لیدن هلند به دو زبان انگلیسی و فرانسه منتشر شد. در این ویرایش تعداد مداخل رشد صددرصدی داشت. با این حال برخی از مدخل‌های ویرایش اول عیناً ترجمه و برخی نیز با اضافاتی به چاپ رسید. در واقع تفاوت دو ویرایش بیشتر کمی بود تا کیفی. البته در این ویرایش برخلاف ویرایش اول، برخی مدخل‌ها به قلم نویسندگان مسلمان ایرانی، عرب و ترک نیز نوشته شده است. به هر روی دو ویرایش نخست کاملاً با بازتاب اهداف اسلام‌شناسی غربیان است که اسلام‌شناسی متکی بر ایمان مسیحی و با اهداف استعماری بود. از این رو در دو ویرایش نخست، مداخل بیشتری به ملل ترک‌زبان و نیز شمال آفریقا اختصاص یافته است که نشان‌دهنده ابعاد فرهنگی و استعماری اسلامی‌شناسی در آن دوران است. ویرایش سوم «د. اسلام» (EI) در سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. انتشارات بریل با اذعان به رشد «انفجارگونه» اسلام‌شناسی و با هدف ارتباط مؤثر با مخاطبان خارج از فضای علمی و دانشگاهی اقدام به ویرایش جدید «د. اسلام» کرده است. از این رو به جای آوانویسی مفاهیم و اصطلاحات اسلامی، معادل انگلیسی آنها را مدخل قرار داده‌اند. برای نمونه به جای مدخل Irtidad (ارتداد) در ویرایش یک و دو، معادل انگلیسی آن یعنی Apostasy مدخل تعیین شده است. در این ویرایش

1. The Encyclopaedia of Islam, new ed. Leiden: Brill, 1960-2004.

2. The Encyclopaedia of Islam: Three, Leiden: Brill, 2007.

جدید افزون بر تغییر رویکرد، بیشتر بر جهان اسلام قرن بیستم، به ویژه سرزمین‌های کمتر شناخته شده‌ای چون آسیای جنوب شرقی و صحرای آفریقا و مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیرمسلمان تأکید شده است. (صفری، ۱۳۹۹: ۳۶۱-۳۶۶)

ابوطالب از محوری‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در بسیاری از وقایع عصر پیامبر (ص) به ویژه در دوره بعثت حضور چشمگیر و تأثیرگذاری داشته است. به نظر می‌رسد شناخت دقیق و همه‌جانبه از ایشان، علاوه بر نشان دادن جایگاه و نقش ایشان در تحولات دوره بعثت، می‌تواند نمونه‌ای مناسب و معیار برای فهم جایگاه خاندان پیامبر (ص) در به ثمر نشستن رسالت باشد. همچنین شناخت دقیق زندگی و عملکرد ابوطالب در برابر همتایان خود در دیگر طوایف و خانواده‌های مکه، می‌تواند نمونه عملی از جایگاه نظام قبیلگی در تحولات تاریخی صدر اسلام به دست دهد.

۲- پیشینه پژوهش

درباره نقد و بررسی «د. اسلام» به ویژه در حوزه مطالعات شیعی کارهای خوبی صورت گرفته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب **تصویر امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام (ترجمه و نقد)** اشاره کرد که زیر نظر تقی‌زاده داوری (۱۳۸۵ ش) انجام شده است. البته این نقد و بررسی صرفاً بر روی ویرایش دوم «د. اسلام» صورت گرفته و به سیر تحول مداخل مربوطه در سه ویرایش پرداخته است. اما درباره ترجمه یا نقد مداخل ابوطالب در «د. اسلام» تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است. با این حال دو پژوهش در بررسی مطالعات غربی‌ها درباره ابوطالب انجام شده که در این مقاله نیز استفاده شده است. سیدعلیرضا طباطبائی یزدی (۱۳۹۹) در مقاله «کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی حضرت ابوطالب به زبان‌های اروپایی»، به دسته‌بندی و معرفی انتقادی مطالعات غربی‌ها درباره ابوطالب پرداخته است.

محمد رضا فخر روحانی (۱۳۹۴) نیز در مقاله «حضرت ابوطالب از نگاه مستشرقان»، ضمن بررسی مطالعات غربی‌ها بر روی این نکته تأکید کرده است که چرا آنها به ایمان ابوطالب نپرداخته‌اند. البته ایشان در مقاله خود به بررسی هیچ‌کدام از مداخل ابوطالب در ویرایش‌های سه‌گانه «د. اسلام» نپرداخته است. با این همه سبک و روش کار ایشان در این مقاله استفاده شده است.

۳- معرفی نویسندگان مداخل سه‌گانه ابوطالب

مدخل ابوطالب در ویرایش نخست «د. اسلام» به قلم فرانتس بوهل، در ویرایش دوم به قلم مونتگمری وات و در ویرایش سوم به قلم یوری روبین نوشته شده است. در ادامه به معرفی آنها خواهیم پرداخت:

۳-۱- **فرانتس پیتر ویلیام مییر بوهل**^۱ (۱۹۳۲-۱۸۵۰ م) از خاورشناسان و زبان‌شناسان دانمارکی است. او در دانمارک و آلمان تحصیل کرد و تحصیلات خود را در رشته الهیات و فلسفه و زبان‌های سامی در دانشگاه کپنهاگ در سال ۱۸۷۴ میلادی به پایان رساند و زبان‌های شرقی، به‌ویژه عربی را تحت آموزش میشل مهران (۱۸۲۲-۱۹۰۲ م) دانشمند معروف دانمارکی و آگاه به زبان عربی و فلسفه و علوم اسلامی فراگرفت. پس از آن به وین و لایپزیگ سفر کرد و از ۱۸۷۶ میلادی به مدت دو سال در درس‌های فلاشر^۲ (۱۸۰۱-۱۸۸۸ م) خاورشناس مشهور آلمانی و دیگر استادان عصر خود در اروپا شرکت کرد و بر زبان عربی و ادبیات آن تسلطی بسزا یافت. در سال ۱۷۸۷ میلادی به درجه دکتری نائل شد و پایان‌نامه تحصیلی‌اش را با عنوان «نحو عربی و تاریخ زبان عربی» نگاشت. از ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ میلادی مدرس کتاب مقدس عهد عتیق در دانشگاه کپنهاگ بود. از ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۸ میلادی در دانشگاه لایپزیگ و از ۱۸۹۸ تا ۱۹۳۲ میلادی

1. Frants Buhl

2. Heinrich Leberecht Fleischer

در دانشگاه کپنهاگ استاد زبان‌های سامی بود. بوهل عضو مجمع علمی عربی دمشق بوده است.

با تسلط بالا بر زبان‌های عبری، آرامی و فنیقی، فرهنگ بزرگ و ارزشمندی حاوی زبان‌های سامی به نام **گزنویس** (Gesenius) تألیف کرده (۱۸۹۵ م) که در آن زبان‌های مذکور را مقایسه کرده است. برخی آثار بوهل درباره تاریخ اسلام و پیامبر اکرم (ص) است که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب **زندگی‌نامه محمد**^۱ (۱۹۵۵ م) اشاره کرد. این کتاب در ۱۹۳۰ میلادی توسط شِدر^۲ به زبان آلمانی برگرداند. بوهل در برخی رسائل خود راجع به احوال علویان و سیاست آنها بحث کرده و مقالات متعددی درباره رجال و مشاهیر اسلامی و تاریخ، وطن و شرح حال ایشان در **دایرةالمعارف اسلامی** لیدن نوشته است. تحقیقات و آثار بوهل در ترویج و انتشار اسلام و مطالعه و فراگیری عربی فصیح و ادبیات عرب تأثیر فراوانی نهاده است. کتاب **زندگانی محمد** نوشته فرانتس بوهل از تألیف‌های نیمه نخست قرن بیستم است که تا حدی برخلاف دیدگاه شکاکانه دیگر خاورشناسان، تنها با دیدی انتقادی به بررسی منابع تاریخی شرح حال پیامبر پرداخته بودند. از دیگر آثار او می‌توان به **دعوت دینی حضرت محمد در قرآن**،^۳ **درباره استعاره‌ها و تمثیل در قرآن**،^۴ **درباره تفسیر قرآن**^۵ و **خط و رابطه آن با قرآن**^۶ اشاره کرد.

1. Das Leben Muhammads, Quelle & Meyer, Heidelberg: 1955.

2. Hans Heinrich Schaeder

3. Muhammeds religiose Forkyndelse efter Quranen, Kobenhavn: J. H. Schultz, 1924.

4. "Über Vergleichungen und Gleichniss im Quran", Reprinted from Acta orientalia 2, 1924.

5. "Zur Kuranexegese", Ao3, 1925.

6. "Die Schrift und was damit Zlusammenhang im Quean", Oriental Studies Paul Haupt, 1926.

۲-۳- ویلیام مونتگومری وات^۱ (۱۹۰۹-۲۰۰۶ میلادی) اندیشمند مسیحی معاصر و استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند بود. مونتگومری وات از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان غربی به حساب می‌آید و تأثیر عظیمی در رشته مطالعات اسلامی بر جای نهاد. حوزه تخصصی مطالعات وی اندیشه‌های امام محمد غزالی بود. او از سال ۱۹۴۷-۱۹۶۴ میلادی مربی ارشد مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ادینبورگ بود و در فلسفه اخلاق و فلسفه باستان و مطالعات عربی پژوهش می‌کرد. وی سال‌ها در دانشگاه ادینبورگ تدریس، و شاگردان فراوانی در حوزه اسلام‌شناسی تربیت کرد. به واسطه همدلی او با مسلمانان در کتاب‌هایش، نام او توسط خیلی از مسلمانان در سرتاسر دنیا با احترام برده می‌شود. در سال ۱۹۶۴ میلادی ریاست دانشگاه را بر عهده گرفت و در سال ۱۹۷۹ میلادی بازنشسته شد. آثار وات درباره زندگی نامه حضرت محمد (ص) در این حوزه کلاسیک به حساب می‌آیند. دو کتاب **محمد در مکه** و **محمد در مدینه** جزو موفق‌ترین آثار نیمه نخست قرن بیستم در شرح حال رسول خدا (ص) است که تا حدی برخلاف دیدگاه شکاکانه دیگر خاورشناسان، تنها با دیدی انتقادی و با بررسی منابع تاریخی به شرح حال پیامبر (ص) پرداخته است.

او دکترای فلسفه‌اش را با رساله «جبر و اختیار در صدر اسلام» گرفت و سپس به مطالعات اسلام‌شناسی و قرآن‌شناسی در ارتباط با «کلیسای پروتستان انگلیس» در بیت المقدس پرداخت. او از سال ۱۹۴۷ میلادی رئیس بخش مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ادینبورگ شد. وات تألیفات متعددی دارد که برخی از آنها نقش گسترده‌ای در اندیشه اسلام‌شناسی غربیان داشته است. مهم‌ترین کتاب‌های قرآن‌شناسی او عبارت‌اند از: ۱- **مقدمه قرآن**؛ او در این کتاب به تندروری برخی مستشرقان نسبت به اقتباس قرآن از نفس حضرت محمد (ص) انتقاد می‌کند و لحنی ملایم‌تر از دیگران دارد. ۲- **محمد در**

1. W. Montgomery Watt.

2. Introduction to the Qur'an, Edinburgh University Press, 1970.

مکه؛^۳ - محمد در مدینه؛^۴ - محمد پیامبر و سیاستمدار^۳، که به نوعی خلاصه‌ای از دو اثر قبل است. (بدوی، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۳).

۳-۳- یوری روبین (متولد ۱۹۴۴ م)^۴، یهودی الاصل، استاد بازنشسته دانشگاه تل‌آویو از گروه مطالعات اسلامی و عربی در فلسطین اشغالی طی چند مقاله و کتاب، به طرح گرایش‌ها و باورهای خود در حوزه‌های علوم قرآن و حدیث پرداخته است. حوزه مطالعاتی او بیشتر بر روی قرآن کریم، تفسیر، حدیث، سیره و تاریخ صدر اسلام متمرکز شده است. او شانزده مدخل از دایرةالمعارف قرآن را نگاشته که به سرپرستی خانم مک‌اولیف^۵ در لیدن به چاپ رسیده است. هم‌چنین در مجموع هجده مدخل از مدخل‌های دایرةالمعارف اسلام در دو ویرایش دوم و سوم را نگاشته است.

یوری روبین از قرآن‌پژوهان و سنت‌پژوهان مشهور معاصر است. او در یکی از توابع تل‌آویو اسرائیل به دنیا آمد. پس از پایان دوره کارشناسی وارد مرکز زبان و ادبیات عربی دانشگاه تل‌آویو شد و تا مقطع دکترا ادامه داد. رساله پایان‌نامه دکتری خود را در سال ۱۹۷۵ میلادی درباره زندگی‌نامه و سنت پیامبر (ص) در صدر اسلام ارائه داد. پس از اتمام دوره دکترا به تدریس در دانشکده زبان عربی دانشگاه تل‌آویو مشغول شد و پس از مدتی به سمت استاد تمامی منصوب گشت. روبین از اعضای موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه عبری اورشلیم نیز بود. حوزه‌های پژوهشی روبین حوادث صدر اسلام با تأکید ویژه بر قرآن، تفسیر قرآن و سیره و حدیث اسلامی است. روبین از مشاوران علمی دایرةالمعارف قرآن^۶

1. Muhammad at Macca, Clarendon Press, Oxford, 1953.

2. Muhammad at Medina, Clarendon Press, Oxford, 1956.

3. Muhammad: Prophet and Statesman, Oxford University Press, London 1961.

4. Uri Rubin

5. McAuliffe

6. Encyclopaedia of the Quran.

لیدن (انتشارات بریل) است که برخی مدخل‌های آن از جمله مدخل «محمد (ص)» به قلم او نوشته شده است.

از دیگر آثار وی به جز کتاب نگاه بیننده؛ زندگی محمد (ص) از منظر مسلمانان صدر اسلام^۱ که در نگارش مقاله سوم ابوطالب مورد استفاده قرار گرفت می‌توان به: زندگی محمد (ص) (شکل‌گیری جهان صدر اسلام (۴ جلدی)^۲؛ رسول جامه به خود پیچیده در تفسیر سوره‌های مزمل و مدثر^۳؛ بوزینه‌ها و خوک‌ها و تشبیه به آنها در اسلام^۴؛ انبیا و خلفا. اساس قدرت بنی‌امیه^۵؛ انبیاء و نبوت^۶؛ بنی‌اسرائیل^۷ و انبیا و نیاکان در روایات اولیه شیعه^۸ اشاره کرد.

۴- ترجمه مقالات سه‌گانه ابوطالب در دایره‌المعارف اسلام

در این بخش برای رعایت امانت و انصاف علمی، ترجمه مقالات سه‌گانه دایره‌المعارف اسلام چاپ لیدن خواهد آمد تا خواننده محترم در بخش نقد و بررسی مقالات بتواند اصل سخن نویسندگان را ملاحظه نماید. اگرچه حجم هر سه مقاله تقریباً کوتاه است، خوانندگان مطلع و باریک‌بین متوجه خواهند شد که نقدهای دیگری نیز بر این مقالات وارد بوده که در این مقاله به سبب متعدد مجال طرح آنها نبوده و صرفاً

1. The Eye of the Beholder: The Life of Muhammad as Viewed by the Early Muslims, a Textual Analysis, Studies in Late Antiquity and Early Islam, vol. 5, Princeton, N. J : The Darwin Press, Inc, 1995.
2. The life of Muhammad (the formation of the Classical Islamic World), Aldershot, 1998.
3. The Shrouded Messenger on the Interpretation of al-muzzammil and al-mudaththir, JSAI 16 (1993).
4. Apes, Pigs and the Islamic identity, IOS 17 (1997).
5. Prophets and Caliphs. The biblical foundation of the Umayyad authority, Method and Theology in the study of Islamic origins, Leiden, 2003.
6. «Prophets and prophethood», Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2004.
7. Children of Israel, in Encyclopaedia of the Quran, Leiden, Brill, 2001.
8. Prophets and progenitors in the early Shia tradition, JSAI 1, 1979.

سعی شده تا مهم‌ترین موارد به صورت اجمالی معرفی و نقد و بررسی شوند.

۱- مقاله اول در ویرایش نخست **دایرةالمعارف اسلام** لیدن (EI¹) در جلد اول، صفحات ۱۰۸-۱۰۹ به قلم بوهل نوشته شده است.

ابوطالب، عبدمناف بن عبدالمطلب، عموی محمد (ص). وقتی عبدالمطلب پدربزرگ محمد (ص) درگذشت، ابوطالب مسئولیت برادرزاده یتیم خود را بر عهده گرفت. بر اساس سنت خانوادگی، محمد (ص) در سفرهای تجاری همراه ابوطالب بود. ابوطالب تنگدست و عیال‌وار بود؛ از این رو گفته شده محمد (ص) با نگهداری پسرش علی (ع) در خانه خود، از ابوطالب قدردانی کرد. اما این شاید فقط یک افسانه ساختگی باشد، چراکه با رفتارهای ابوطالب سازگار نیست. برای نمونه هنگامی که مردم مکه به دلیل مخالفت محمد (ص) با دینشان، شروع به آزار و اذیت محمد (ص) کردند، ابوطالب به عنوان سرپرست خانواده، از محمد (ص) حمایت کرد و به رغم اعتراض مکرر مکیان، از انجام وظیفه سرپرستی خانواده امتناع نکرد. همه بنی‌هاشم به جز ابولهب، نیز (در این حمایت) با ابوطالب همراه شدند؛ چنان‌که بعد از تحریم اجتماعی قریش، آنها به همراه ابوطالب در یکی از محلات شهر مکه به نام شعب ابی‌طالب، منزوی شدند و برای مدت طولانی در آنجا مظلومانه زندگی کردند. از این رو درگذشت عموی باوفایش در سال دهم بعثت و سه سال پیش از هجرت به مدینه، ضربه سنگین برای محمد (ص) بود. تعجب آور نیست که سنت، تمام اعتبار این مرد را تصاحب کرده بود، مردی که با پیامبر ارتباط نزدیک داشت و اطلاعات کمی از او در دست است. در آن سنت او سید قریش بود. قصیده‌هایی ساخته شد و به او نسبت داده شد. به صورت ویژه این سؤال درباره ابوطالب مطرح است که آیا او قبل از مرگ تغییر دین داد یا اینکه کافر از دنیا رفت؟ گرایش‌های فرقه‌ای در این باره تأثیرگذار است؛ نظریه عمومی و مطمئناً درست این است که او همچنان که کاملاً به برادرزاده خود وفادار مانده بود، بر موضع خود نیز پافشاری

می‌کرد. این مسئله برای علویان بسیار ناخوشایند بود؛ از این رو آنها چندین روایت ضعیف و قوی و برخلاف باور عمومی ساختند. در برابر روایت‌های علویان، مخالفان از ناله‌های پیامبر مبنی بر عذاب‌های نه‌چندان سخت عمویش در جهنم یاد می‌کنند.^۱

۲- مقاله دوم در ویرایش دوم **دایرةالمعارف اسلام** چاپ لیدن (EI²) در جلد اول صفحات ۱۵۲-۱۵۳ به قلم مونگمیری وات نوشته شده است.

«ابوطالب، پسر عبدالمطلب بن هاشم و فاطمه دختر عمرو مخزومی و برادر تنی پدر محمد (ص). نام وی عبدمناف بود. گفته شده که ابوطالب منصب‌های سقایه و رفاده (تأمین آب و خوراک زائران خانه خدا) را از پدر به ارث برده بود، ولی به نظر می‌رسد در حلف الفضول و جنگ فجار برادرش زبیر رهبر برجسته بنی‌هاشم بوده است.

ابوطالب مقروض شد و برای مقابله با آن، مناصب سقایه و رفاده را به عباس واگذار کرد. با این حال به نظر می‌رسد او همچنان رئیس قبیله بنی‌هاشم باقی ماند و اقامتگاه آنها در شهر، شعب ابی‌طالب نامیده می‌شد. پس از درگذشت عبدالمطلب، ابوطالب سرپرست محمد (ص) شد. آورده‌اند که ابوطالب او را به همراه خود به سفرهای تجاری به شام می‌برده است. ابوطالب به هنگام آغاز بعثت و حتی پس از تحریم خاندان هاشم و مطلب توسط سران قریش، همچنان از محمد (ص) حمایت کرد. به نظر می‌رسد تحریم خاندان هاشم و مطلب علل اقتصادی نیز داشته است. او اندکی پس از پایان یافتن تحریم، حدود سال ۶۱۹ درگذشت. به نظر می‌رسد برادرش ابولهب پس از ابوطالب رئیس خاندان هاشم شده بود. از پسران او توسط فاطمه دختر اسد بن هاشم، علی (که گفته می‌شود توسط محمد (ص) بزرگ شده است) و جعفر مسلمان شدند، درحالی‌که طالب در جنگ بدر با محمد جنگید.

۱. طبری، ج ۱، ص ۱۱۲۳، ۱۱۷۴، ۱۱۹۹؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۱۱۵، ۱۶۷، ۱۷۲؛ ابن حجر، اصابه، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۹؛

Caetani, annali dell islam, i. 308; Goldziher, muhammad. Stud. ii, 107; Noldeke, in the zeitschr. D. deutsch.

Morgenl. Morgenl. Gesellsch, lii. 27 et seq.

اگرچه ابوطالب از محمد (ص) حمایت می‌کرد، آشکار است که او مسلمان نشد. اما این موضوع بسیار مورد بحث قرار گرفت و عقاید مختلفی درباره سرنوشت کسانی که قبل از مأموریت محمد (ص) زندگی می‌کردند، مطرح شده است.^۱

۳- مقاله سوم در ویرایش سوم **دایرةالمعارف اسلام** چاپ لیدن (EI^۳) به قلم روبین نوشته شده است.

«ابوطالب (متوفای ۶۱۹ م) فرزند عبدالمطلب بن هاشم و فاطمه بنت عمر مخزومی قریشی و برادر تنی عبدالله، پدر حضرت محمد (ص) بود. گزارش شده که او سی و پنج سال پیش از محمد (ص) به دنیا آمده است. نامش عبدمناف بود. پسرانش طالب، عقیل، جعفر و علی از همسرش فاطمه بنت اسد از بنی هاشم متولد شدند پس از مرگ عبدالمطلب، ابوطالب از او مناصب سقاییه و رفاده (تأمین آب و غذا برای حجاج) را به ارث برد. گزارش شده پسر بزرگش، طالب در جنگ بدر (۶۲۴/۲) در کنار قریش شرکت کرد و در آنجا ناپدید شد. (ابن سعد، ۱۹۵۷: ۱/۱۲۱) با این حال، همچنین گزارش شده است که وقتی ابوطالب درگذشت، پسرانش طالب و عقیل از او ارث بردند. (ابن سعد، ۱۹۵۷: ۱/۱۲۴)

در چند روایت رفتارهای بت پرستانه ابوطالب و تقاضای او از برادرزاده اش محمد (ص) برای پرستش بت‌های قریش منعکس شده است. (ابن سعد، ۶۸-۱۹۵۷: ۱/۱۵۸) همچنین گفته شده که وی به شیوه نماز (سجده) اسلامی اعتراض داشته و اظهار داشته که از موقعیتی که پشت او بالاتراز سر باشد، بدش می‌آید. (ابن حجر، ۱۹۷۰: ۷/۲۳۵) با این حال، بیشتر روایات حول حمایتی است که وی از برادرزاده خود

۱. ابن هشام، ص ۱۱۴-۷، ۱۶۷-۷۷؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۱، ۷۵-۹، ۱۳۴-۵، ۱۳۹-۴۱؛ طبری، ج ۱، ص ۱۱۲۳-۶، ۱۱۷۳-۸۵؛ ابن حجر، اصابه، ج ۴، ص ۹-۲۱۱؛

Noldeke, in ZDMG, p27-8; Goldziher, muh. Studien, v2, p107; Caetani, annali, v1, p158, 298, 307; Buhl, das leben muhammads, p115-8; Montgomery watt, Muhammad at mecca.

داشت، زیرا وی نزدیک‌ترین خویشاوند و سرپرست محمد پس از مرگ والدین محمد، عبدالله و آمنه و پدر بزرگش عبدالمطلب بود. گفته شده که ابوطالب در ملاقات محمد دوازده ساله و راهب مسیحی، بحیرا که محمد را به عنوان پیامبر آینده عرب معرفی کرد، حضور داشته است. این ملاقات در یکی از سفرهای تجاری ابوطالب به شام انجام شد و به دنبال توصیه راهب، ابوطالب این وظیفه را بر عهده گرفت تا آنجا که ممکن است از برادرزاده خود محافظت کند. گفته شده که پس از آن که محمد، وحی‌ها را دریافت کرد، ابوطالب از برادرزاده خود در برابر آزار و اذیت کفار مکی قریش حمایت کرد، گرچه طبق اکثر منابع خودش هرگز اسلام را نپذیرفت. آزار و شکنجه بر بخشی از قریش منجر به تحریم تمام بنی‌هاشم و بنی‌مطلب شد. گفته شده که خویشاوندان تحریم شده در شعب (دژه) ابی‌طالب پناه گرفتند. این تحریم هفت سال پس از دریافت اولین وحی محمد رخ داد و تا سال دهم ادامه داشت. اشعار بسیاری در حمایت از محمد به ابوطالب نسبت داده شده است. گفته شده که قریش تا زمانی که عمویش زنده بود از آسیب رساندن به پیامبر خودداری می‌کردند. (ابن سعد، ۱۹۵۷: ۱/ ۱۲۴)

همان‌طور که گزارش شد وی محمد را دوست داشت. روایات می‌گویند که ابوطالب نتوانست تا از میراث قبیله‌ای قریش جدا شود. پریشانی آشکار این وفاداری‌های متضاد، در روایات مربوط به مرگ او گزارش شده است. گفته شده که پیامبر او را ترغیب کرده است تا قبل از مرگ، شهادتین (اقرار به ایمان) را بیان کند و اسلام را بپذیرد، اما سران قریش که در بستر مرگ وی نیز حضور داشتند، مانع این کار شدند. به هر حال برخی از روایات ادعا می‌کنند که شنیده شده وی درست قبل از مرگ، شهادتین را نجوا کرده است. گزارش شده که ابوطالب ده سال پس از اولین وحی، در بیش از هشتادسالگی درگذشت. وی در قبرستان مکه در حجون به خاک سپرده شد. (بلذری، ۱۹۹۶: ۲/ ۷۹۱) برخی می‌گویند که مرگ او یک ماه قبل از مرگ خدیجه و دیگران می‌گویند یک ماه پس از آن رخ داده است.

در مورد سرنوشت او در جهان بعدی، اغلب در ارتباط نزدیک با سرنوشت والدین و پدربزرگ محمد، به‌طور گسترده در منابع بحث شده است. ابن‌سعد (۱۹۵۷: ۱/۱۲۲) در روایتی می‌گوید محمد می‌خواست از خدا بخواهد که عمویش را ببخشد، اما این آیه نازل شد و مؤمنان را از طلب آمرزش برای گناهان هریک از مشرکان، حتی نزدیک‌ترین بستگان نشان منع کرد. (قرآن: ۹: ۱۱۳) با وجود این، گفته شده محمد از خدا خواست تا جایگاه ابوطالب در جهنم را از قعر جهنم به سطح کم‌عمق ببرد (ابن‌سعد، ۱۹۵۷: ۱/۱۲۴). این دیدگاه که وی در واقع به دلیل شفاعت محمد (ص) به بهشت دسترسی پیدا کرده (به تقرب خدا در بهشت رسید) یا حتی به عنوان یک مسلمان کامل درگذشته است، در برخی منابع شیعه یافت می‌شود. به عقیده ابن‌ابی‌الحدید، این عقیده با برخی مکتب‌های معتزله مشترک بود، اما وی هرگز با استدلال‌های آنها کاملاً متقاعد نشده است»^۱.

۵- نقد و بررسی مقالات سه‌گانه ابوطالب

۵-۱- نقد و بررسی منابع

مقاله اول از شش منبع طبری، ابن‌هشام، ابن‌حجر، کایتانی، گلدزیهر و نولدکه استفاده کرده است. در مقاله دوم، سه منبع ابن‌سعد، بوهل، وات را به منابع مقاله

۱. ابن‌سعد، طبقات الکبری، (بیروت، ۱۹۵۷-۶۸)، ج ۱، ص ۲۵-۱۱۷، ۵-۱۵۳، ۳-۲۰۱، ۱۰-۲۰۸؛ بلاذری، جمل من انساب الاشراف، (بیروت ۱۹۹۶)، ج ۲، ص ۹-۷۹۰؛ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، الاصول و الفروع، (بیروت ۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۹-۴۴۶؛ ابن‌منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق ابن‌عساکر، (دمشق ۸-۱۹۸۴)، ص ۲۰-۳۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، (بیروت ۱۹۸۷)، ج ۱۴، ص ۶۵-۸۴؛ قرطبی، تذکره فی احوال الموتی و امورالآخره، (بیروت ۱۹۹۰)، ص ۱۵؛ ابن‌حجر، الاصابه فی معرفه الصحابه، (قاهره ۲-۱۹۷۰)، ج ۷، ص ۴۴-۲۳۵. Etan Kohlberg, Taqiyya in Shii theology and religion, in Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (eds.), Secrecy and concealment. Studies in the history of Mediterranean and Near Eastern religions (Leiden 1995), 364-5

Uri Rubin, The eye of the beholder. The life of Muhammad as viewed by the early Muslims (Princeton 1995), 149-55.

اول افزوده و در مجموع از نه منبع استفاده کرده است. مقاله سوم فقط در استفاده از دو منبع ابن‌سعد و ابن‌حجر با دو مقاله اول مشترک است. مقاله سوم به جزء ابن‌سعد و ابن‌حجر از هشت منبع دیگر به نام‌های قرآن، بلاذری، کلینی، ابن‌منظور، ابن‌ابی‌الحدید، قرطبی، گلبِزگ و رویین استفاده کرده است. در مجموع با حذف منابع تکراری و مشابه، در این مقالات از هفده منبع استفاده شده است. بیش از نیمی از منابع مورد استفاده از آثار کلاسیک اسلامی و مابقی از پژوهش‌های متأخر غربی‌هاست.

در مداخل سه‌گانه ابوطالب از ده منبع اسلامی استفاده شده است. قرآن به عنوان کتاب آسمانی و مهم‌ترین منبع پژوهش‌های اسلامی فقط توسط مؤلف مقاله سوم مورد استفاده قرار گرفته است. دو منبع **طبقات الکبری** ابن‌سعد و **الأصابه** ابن‌حجر عسقلانی در هر سه مقاله مشترک است. **طبقات الکبری** محمد بن سعد بصری (متوفای ۲۳۰ هجری قمری)، از مهم‌ترین و کهن‌ترین کتاب‌های شرح حال پیامبر (ص)، صحابه و تابعین و راویان حدیث تا اوایل قرن سوم هجری است. ابن‌سعد در شمار مورخانی است که به سبب مهارت و تسلط در حدیث به عنوان «حافظ» دست یافته است. اساساً ابن‌سعد کتاب **طبقات** را برای شناساندن راویان حدیث نوشته است؛ از این رو رویکرد و شیوه او در نگارش این کتاب بسیار به اهل حدیث نزدیک است. **الأصابه فی تمییز الصحابه** اثر شهاب‌الدین احمد بن علی مشهور به ابن‌حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق)، از علمای بزرگ شافعی در فقه و حدیث و تاریخ است. **الأصابه** از معروف‌ترین کتاب‌های در علم رجال است.

شرح نهج‌البلاغه اثر ابن‌ابی‌الحدید (متوفای ۶۵۶ ق) از فقهای شافعی و اصولی

۱. از مهم‌ترین مؤلفه‌های فکری اهل حدیث در تاریخ‌نگاری، توجه آنها به نظریه «عدالت صحابه» است. ابن‌سعد نیز در مباحث بسیاری از کتاب خود تا ابتدا بر این نظریه، به‌گونه‌ای به شرح حال صحابه پرداخته تا خدشه‌ای بر صحابه وارد نشود.

معتزلی است. این کتاب در ۲۰ جلد و حاوی مجموعه عظیمی از ادب، تاریخ و کلام اسلامی است که با محوریت شرحی بر نهج البلاغه نوشته شده است. با اینکه به سبب معتزلی بودن ابن ابی‌الحدید، برخی مباحث کلامی مطرح شده در این کتاب به عقاید شیعه نزدیک است، در مباحث تاریخی و همچنین در باب اصل امامت با فرهنگ و دیدگاه‌های شیعه فاصله بسیاری دارد.

دو کتاب **سیره ابن هشام و تاریخ طبری** نیز در دو مقاله اول مشترک است. **السیره النبویه** اثر ابومحمد عبدالملک بن هشام (متوفای ۲۱۸ ق)، از اولین و مشهورترین منابع درباره سیره پیامبر (ص) است. **تاریخ الامم و الرسل والملوک** معروف به **تاریخ طبری**، اثر ابوجعفر محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ ق) است. هر دو این آثار از مهم‌ترین و مشهورترین منابع در پژوهش‌های مربوط به تاریخ صدر اسلام است.

چهار کتاب دیگر یعنی **مختصر تاریخ دمشق**، **انساب الاشراف**، **شرح نهج البلاغه** و **اصول و فروع کافی** صرفاً توسط روبین، نویسنده مقاله سوم، مورد استفاده قرار گرفته است. **مختصر تاریخ دمشق** اثر جمال‌الدین محمد بن مکرم ابن منظور (متوفای ۷۱۱ ق)، از فقهای شافعی و ادیب و قاضی مشهور مصری است. ابن منظور صاحب **لسان العرب** - از معروف‌ترین کتب لغت در زبان عربی - است. او به جز این فرهنگ لغت به تلخیص برخی از آثار پرداخته است که از معروف‌ترین آنها **تاریخ دمشق** ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ ق) است. **انساب الاشراف** اثر احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (متوفای ۲۷۹ ق) از مورخان برجسته قرن سوم است. این کتاب در زمینه تاریخ و شرح حال شخصیت‌های برجسته صدر اسلام است که حجم کلی آن، مفصل‌تر از **الطبقات** ابن سعد و کم‌حجم‌تر از **تاریخ طبری** است و از این حیث در میانه این دو اثر قرار دارد. **انساب الاشراف** بلاذری در جایگاه یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی قرن سوم، دربردارنده روایت‌هایی ارزشمند درباره وقایع صدر اسلام است. ارتباط بلاذری با دربار عباسی

به عنوان «ندیم» و «کاتب» نیز در ارائه تصویری مثبت از بنی‌عباس و گزینش برخی روایت‌ها نمایان است. **تذکره فی الاحوال الموتی و امور الاخره**، اثر محمد بن احمد قُرطبی (متوفای ۶۷۱ ق) از مفسران و فقهای مالکی است که این کتاب را در موضوع اخلاق و دعا و موعظه نوشته است. در این میان تنها کتاب متعلق به شیعیان، **اصول و فروع کافی** اثر ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ ق) است. اصول در روایات اعتقادی و فروع در روایات فقهی از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی شیعه است.

در میان پژوهش‌های خاورشناسان کتاب **تاریخ اسلام** لئون کایتانی (متوفای ۱۹۳۵ م)، از مابقی اهمیت بیشتری دارد. کایتانی، سیاستمدار و تاریخ‌پژوه ایتالیایی، از بنیان‌گذاران اسلام‌شناسی در غرب است. اندیشه، روش و آثار کایتانی چنان مورد استفاده خاورشناسان بعدی تا امروز است که معمولاً بدون نقد و بررسی مورد اعتماد و استفاده قرار می‌گیرد. ایگناس گلدزیهر^۱ (متوفای ۱۹۲۱ م)، از خاورشناسان برجسته یهودی اهل مجارستان است که در زمینه اسلام‌شناسی و زبان‌شناسی عربی بیش از ۶۰ اثر نوشته است. مشهورترین و کامل‌ترین اثر او گفتارهایی درباره اسلام است. (بدوی، ۱۳۷۵: ۳۲۸-۳۳۴) گلدزیهر در اثری در سال ۱۸۸۹ میلادی، در نقد روایات تاریخی، مسئله ایمان ابوطالب را ساخته امویان دانسته است. تئودور نولدکه^۲ (متوفای ۱۹۳۱ م)، از خاورشناسان بزرگ آلمان است که مهم‌ترین و مشهورترین اثر او تاریخ قرآن است. بیشتر پژوهش‌های او در حوزه زبان و ادبیات و شعر عربی بوده است. (بدوی، ۱۳۷۵: ۴۱۹-۴۲۲) اتان کلبِرگ^۳ از خاورشناسان و شیعه‌پژوهان معاصر است که آثار بسیاری درباره تاریخ و عقاید شیعه نوشته است و در مقاله سوم آقای روبین از مقاله «تقیه در عقاید شیعه» او استفاده کرده است. درباره سه مؤلف بعدی یعنی بوهل،

1. Ignaz Goldziher

2. Theodor Noldeke

3. Etan Kohlberg

وات و روبین که هرکدام نویسنده یکی از مقالات سه‌گانه‌اند، پیش‌تر مطالبی نوشته شده است و در این قسمت از تکرار آن پرهیز می‌شود.

۵-۲- نقد و بررسی محتوایی مداخل سه‌گانه

همان‌گونه در معرفی ویرایش نخست «د. اسلام» نوشته شد، تمامی مداخل ویرایش نخست به قلم غربی‌ها نوشته شده است. از این رو این مجموعه بدون شک بازتاب مطالعات غربی‌ها در حوزه اسلام است. هر سه مداخل ابوطالب در ویرایش‌های سه‌گانه «د. اسلام» نیز به قلم غربی‌ها و غیرمسلمانان نوشته است. و همان‌گونه که فخرروحانی (۱۳۹۴: ۹۹-۱۰۶) در بررسی آثار مستشرقان نشان داده‌اند، مهم‌ترین نکته‌ای که همگی آن‌ها درباره ابوطالب در نظر نگرفته و به آن نپرداخته‌اند، بررسی مسئله اسلام و ایمان ایشان است.

۵-۲-۱- اسلام و ایمان ابوطالب

هر سه مداخل با نگاهی شکاکانه و بسیار سطحی و گذرا به مسئله اسلام و ایمان ابوطالب پرداخته‌اند. این شک همان‌گونه که در مقالات سه‌گانه آمده به دو جهت مطرح شده است. گزارش‌های متواتر و مشهور از حمایت‌های همه‌جانبه ابوطالب از پیامبر (ص) پس از آغاز دعوت است. ابوطالب جدای از حمایت‌های بی‌دریغ از پیامبر (ص) فرزندان خود را نیز به پذیرش دعوت و همراهی با اسلام تشویق و ترغیب می‌کرد و هم‌زمان تمام توان و اعتبار بنی‌هاشم را برای حمایت از پیامبر (ص) و مقابله با اذیت و آزارهای قریش به کار انداخته بود. عملکرد ابوطالب چنان آشکار و مؤثر بود که در این مقالات نیز به آن اذعان شده است. از سوی دیگر روایات تاریخی متناظر به مباحث نظری در برخی منابع تاریخی و روایی مطرح شده که گویای عدم ایمان یا اسلام ابوطالب است. هر پژوهشگر منصف و دقیقی می‌داند که روایات تاریخی

مربوط به کنش اجتماعی قابل قیاس با روایات نظری نیست. از این رو در خوانش اول به راحتی می‌توان به گونه اخیر شک کرد. کما اینکه در پژوهش‌های بسیار چه در بین خاورشناسان و چه در بین مسلمانان به تحریفات تاریخی و جعل احادیث در عصر اموی و عباسی اشاره شده است. برای نمونه برخی خاورشناسان از جمله اشپرنگر (متوفای ۱۸۹۳ م) و گلدزیهر در سال ۱۸۸۹ میلادی، در نقد این روایات متوجه شده‌اند که مسئله ایمان ابوطالب در عصر اموی و به ویژه در عصر عباسی دستخوش تحریف شده است. فرد مک‌دائر^۱ در ۱۹۸۷ میلادی نیز در مقاله‌ای که درباره درگذشت ابوطالب نوشته با نقد روایات تاریخی نشان داده است که روایت‌های دال بر کفر ابوطالب در دوره عباسیان ساخته شده است. عباسیان با هم‌تراز کردن ابوطالب با عباس در این مورد، تلاش کردند منزلت علویان را کاهش دهند تا با کنار زدن رقیب به راحتی بر منصب خلافت تکیه بزنند. عباسیان کوشیدند با جعل روایات تاریخی جایگاه ابوطالب را کاهش داده، هم‌سنگ با عباس قرار دهند که تا فتح مکه مسلمان نشده بود و حتی در جنگ بدر علیه پیامبر (ص) شرکت کرده بود. آنها حتی با توجه به درگذشت ابوطالب پیش از هجرت، شخصیت جعلی به نام «طالب» ساختند و او را فرزند بزرگ ابوطالب معرفی کردند و او را هم‌ردیف با عباس جنگ بدر علیه پیامبر (ص) قرار دادند تا از بار عدم همراهی عباس با پیامبر بکاهند. در جعلی بودن شخصیت طالب همین بس که جز حضور در جنگ بدر هیچ گزارش دیگری از او و حتی چگونگی درگذشت او در دست نیست؛ از همین روست که رویین در مقاله سوم می‌نویسد که او در جنگ بدر ناپدید شده است! نکته شایان توجه دیگر اینکه مگر در گزارش‌های تاریخی مربوط به مسلمان شدن مسلمانان اولیه، گزارشی دال بر اظهار شهادتین مطرح شده است که درباره اسلام ابوطالب با تمام همراهی‌ها و حمایت‌های عملی او از پیامبر (ص)، در اسلام و ایمان او تردیدی وجود داشته باشد؟

1. Donner, Fred McGraw

درباره ایمان ابوطالب در منابع متقدم شیعی و سنی آثار بسیاری نوشته شده که از میان آنها می‌توان به **بُغِيه الطالب لإيمان أبي طالب و حسن خاتمه** تألیف علامه سیوطی و **أسنى المطالب في نجاه أبي طالب** تألیف مفتی شافعی مکه، سید احمد بن زینی دحلان شافعی (متوفای ۱۳۰۴ ق) اشاره کرد. کتاب **ایمان ابوطالب** تألیف شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق) از مهم‌ترین منابع متقدم شیعه درباره ایمان ابوطالب است. همچنین عبدالله خیزی کتابی با عنوان **ابوطالب مؤمن قریش** منتشر کرده است که به تعبیر آیتی بهترین کتابی است که تاکنون درباره ایمان ابوطالب نوشته شده است. (آیتی، ۱۳۶۹: ۱۹۶-۱۷۰)

در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌های بسیاری درباره ایمان ابوطالب در قالب کتاب و مقاله علمی به چاپ رسیده است که از مهم‌ترینشان می‌توان به اینها اشاره کرد: میرزا ابراهیم بن ابی‌الفتح زنجانی (متوفای ۱۳۵۱ ق) رساله **عقد الانامل** را در اثبات ایمان ابوطالب نوشته است. زنجانی که بر اساس محاسبات علوم ریاضی قدیم به بررسی احادیث این موضوع پرداخته و با این رویکرد به اثبات ایمان ابوطالب پرداخته است. این رساله با تحقیق حمید سلیم گندمی (۱۳۹۴ ش) در **فصلنامه سفینه** منتشر شده است. محترم شکریان و احترام شکریان (۱۳۸۹ ش) نیز در مقاله «بازخوانی ایمان مؤمن قریش، حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، ضمن تبیین گزارش‌های تاریخی موجود درباره ایمان ابوطالب، به نقد و بررسی شبهات این حوزه نیز پرداخته‌اند. سید محمدکاظم طباطبایی و همکاران (۱۳۹۴ ش) در مقاله «سه نکته و بایسته پژوهشی در مورد حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، با بررسی دیدگاه‌های مورخان اهل سنت به روش **احتجاج** و با رویکرد سنتی علوم حدیث به نقد روایات **صحيح مسلم** و بخاری پرداخته‌اند. محمد فاکر میبیدی (۱۳۹۹ ش) نیز در مقاله «نقد سندی و دلالی نزول آیات قرآن در کفر ابوطالب»، به نقد و بررسی تفاسیر اهل سنت پرداخته که به زعم خود تلاش کرده بودند برخی از آیات قرآن را به کفر حضرت ابوطالب تفسیر کنند.

۵-۲-۲- خانواده ابوطالب

یکی از جنبه‌های نشان‌دهنده ابعاد شخصیتی ابوطالب، خانواده به‌ویژه همسر ایشان است. این در حالی است که نام همه فرزندان ابوطالب در هیچ‌کدام از سه مقاله معرفی نشده است. درباره فرزند بزرگ ایشان یعنی طالب نیز مطالب متناقضی آمده، به‌ویژه اینکه رویین در مقاله سوم پس از اینکه از حضور طالب در جنگ بدر و ناپدید شدن او در همان جنگ گزارش می‌کند؛ در ادامه و در نقد آن می‌نویسد که اما منابع گزارش کرده‌اند که «طالب پس از فوت ابوطالب از او ارث برده است»؛ این در حالی است که فوت ابوطالب در سال دهم بعثت یعنی پنج سال پیش از جنگ بدر رخ داده است.

همچنین در مداخل سه‌گانه مورد بررسی، صرفاً به اسلام آوردن دو فرزند ابوطالب یعنی علی (ع) و جعفر اشاره شده و در مورد اسلام سایر فرزندان به‌ویژه اسلام همسر ابوطالب، فاطمه بنت اسد اشاره‌ای نشده است. در حالی که فاطمه بنت اسد به روایت بیشتر منابع تاریخی از یازدهمین فرد و دومین زن مسلمان بوده است. (ابن ابی‌الحدید ۱۳۷۸: ۱/ ۱۴) جالب اینکه در ویرایش‌های سه‌گانه «د. اسلام»، مدخلی با نام «فاطمه بنت اسد» تنظیم نشده است.

۵-۲-۳- اشعار ابوطالب

بوهل و رویین در ویرایش اول و سوم با اشاره‌ای گذرا و جعلی خواندن اشعار ابوطالب، کوشیدند تا یکی از مهم‌ترین منابع درباره شناخت ابوطالب را تضعیف نمایند. وات نیز در ویرایش سوم اصلاً متعرض شاعر بودن ابوطالب نمی‌شود. این در حالی است که جدای از منابع متقدم و پژوهش‌های متأخر مسلمان و به‌ویژه شیعیان درباره اشعار ابوطالب، نویسندگان مداخل سه‌گانه حتی به پژوهش‌های غربی‌ها درباره اشعار ابوطالب توجه جدی نکرده و صرفاً بر طرح همان ادعای قدیمی و منطبق با دیدگاه

اهل سنت مبنی بر جعلی بودن اشعار ابوطالب بسنده کرده‌اند. برای نمونه نولدکه (متوفای ۱۸۶۴ م) که از قضا جزو منابع این مداخل نیز هست، درباره اشعار ابوطالب بحث کرده و پاره‌ای از آنها را صحیح دانسته است.

راجع به اشعار ابوطالب که در ایمان و اسلام وی صراحت کامل دارد در جلد هفتم کتاب **الغدیر** به تفصیل بحث شده است و پس از آن چهل حدیث درباره ایمان و فضائل آن بزرگوار از کتب معروف و معتبر نقل شده است. از جمله اشاره شده است که **دیوان ابوطالب** (ع) را ابونعیم علی بن حمزه بصری تمیمی لغوی (متوفای ۳۷۵ ق در سیسیل) جمع‌آوری کرده است. (آیتی، ۱۳۶۹: ۱۶۹-۱۷۰)

۵-۲-۴- اشتباهات تاریخی

نخست، سفر اول پیامبر (ص) به همراه ابوطالب به شام در هر سه مدخل به‌ویژه در مدخل سوم با جزئیاتی نقل شده است. رویین در مدخل سوم به داستان مواجهه ابوطالب با بحیرای راهب و پیشگویی او از پیامبری محمد (ص) نیز اشاره کرده است. با بررسی روایت‌های موجود از این ماجرا در منابع متقدم و وجود تناقضات و اشتباهات متعدد در آن، ساختگی بودن اصل ماجرا و قصه‌پردازی جزئیات آن کاملاً آشکار است؛ چنان‌که زرگری‌نژاد (۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۹۲) با بررسی انتقادی دو روایت موجود و نشان دادن اشکالات محتوایی بسیار در این روایت‌ها، نشان داده است که این روایت‌ها ساخته شده‌اند تا چنین وانمود کنند که پیامبر (ص)، تعالیم دینی خود را نه از طریق وحی بلکه از طریق عالمان یهودی و مسیحی فراگرفته است.

دوم، بوهل در ویرایش اول بدون هیچ سند و شاهد تاریخی و حتی بدون هیچ استدلال منطقی، حضور و تربیت امام علی (ع) در منزل پیامبر (ص) را افسانه و ساختگی می‌داند. وات نیز تربیت امام علی (ع) توسط پیامبر (ع) را با تخفیف و به صورت «گفته

می‌شود»، مطرح کرده است. درحالی‌که به گواهی بیشتر منابع تاریخی پیامبر (ص) در ایام قحطی و خشک‌سالی در مکه و برای کمک و قدرانی از ابوطالب، سرپرستی فرزندش علی (ع) را بر عهده می‌گیرد و از همین روست که در بیشتر منابع متقدم تصریح می‌شود که امام (ع) اولین فردی بودند که به اسلام گرویدند؛ و این مسئله چندان مشهور است که اهل سنت برای تخفیف این ماجرا و ارجحیت دادن به اسلام ابوبکر، اسلام آوردن امام علی (ع) را به سبب نوجوان بودن ایشان قابل توجه نمی‌دانند.

سوم، وات در ویرایش دوم مقاله ابوطالب، بدون اشاره به تحریم‌های اجتماعی و اقتصادی قریش، شعب ابی‌طالب را اقامتگاه بنی‌هاشم در شهر مکه معرفی می‌کند. درحالی‌که شعب ابی‌طالب، نام منطقه‌ای در شهر مکه بود که در تملک ابوطالب قرار داشت، در سال هفتم بعثت برای کم کردن فشارهای اجتماعی قریش، بنی‌هاشم به پیشنهاد ابوطالب برای مدت محدودی در آنجا سکنی گزیده بودند و از آن پس آن ملک به نام «شعب ابی‌طالب» مشهور شد.

۵-۳- نقد روش و رویکرد مداخل سه‌گانه ابوطالب در «د. اسلام»

نخست، مهم‌ترین ایراد روشی در نگارش مداخل «د. اسلام» به‌ویژه آنچه در مداخل سه‌گانه ابوطالب نیز مشهود است، بی‌توجهی محققان غربی به منابع متقدم شیعی و پژوهش‌های جدید شیعی به زبان عربی و فارسی است. از این رو چنان به نظر می‌رسد که نویسندگان سه مدخل مذکور، با نگاه به منابع اهل سنت به بررسی زندگی ابوطالب پرداخته‌اند. چنان‌که بوهل در ویرایش اول بدون هیچ سند و حتی استدلالی در بیان نظرات اهل سنت از عبارات قیدی «مطمئناً» و «کاملاً» استفاده می‌کند. تقریباً هر سه مدخل بدون توجه و اشاره‌ای به میراث پژوهشی خاورشناسان در تحریف تاریخ در عصر اموی و عباسی، بدون هیچ دلیل و منطقی تصریح می‌کنند که روایات شیعیان درباره ایمان ابوطالب ساختگی هستند. یا وات در ویرایش دوم نیز مانند بوهل بدون

سند و استدلالی به صراحت می‌نویسد که «آشکار است که او مسلمان نشد». روبین نیز در ویرایش سوم در بیشتر موارد ابتدا دیدگاه اهل سنت را می‌آورد و سپس نیم‌نگاهی نیز به نظرات شیعیان می‌اندازد.

دوم، مدخل ابوطالب در دو ویرایش نخست بدون هیچ‌گونه ارجاعی نوشته شده و مشخص نیست که مؤلفان چه مطلبی از چه کتابی نقل یا برداشت کرده‌اند تا مطالب دو مقاله از این نظر قابل نقد و بررسی باشد. گویا آنها به نقل مشهورات مورد نظر خود پرداخته و شاید برای خالی نبودن عریضه در پایان مقاله نیز به ذکر چند منبع بسنده کرده‌اند. اما یوری روبین در نگارش مدخل سوم به بعضی مطالب خود در متن ارجاع داده؛ با این همه تعداد منابع در پایان مقاله بیش از تعداد ارجاعی داخل متن است. این در حالی است که منابع پایانی مقاله بایستی متناظر به موارد ارجاعی در متن باشد، وگرنه فایده علمی نخواهد داشت و به تعبیر درست‌تر، شیوه ارجاع‌دهی و منبع‌نویسی چنین مقالاتی قابل راستی‌آزمایی نخواهد بود، چون مشخص نیست دقیقاً چه مطلبی و در چه صفحه یا جلدی از کتاب مورد استفاده قرار گرفته که نامش در منابع پایانی آمده است. روبین در ارجاع به روایتی از ابن سعد (۱۹۸۵: ۱/۱۵۸)، به‌طور مغالطه‌آمیزی می‌نویسد که در چند روایت به رفتارهای بت‌پرستانه ابوطالب اشاره شده است. در حالی که ابن سعد در آن روایت تنها به یک روایت و یک رفتار ابوطالب اشاره دارد و خبری از تکرار در آن نیست. همچنین در ابن سعد و آثار متقدم دیگر روایت‌هایی نیز درباره مؤمن و مسلم بودن ابوطالب آمده است که مؤلف به آنها توجهی نکرده است.

۶- نتیجه‌گیری

بیشتر منابع مداخل سه‌گانه ابوطالب به‌ویژه در دو ویرایش اول، متعلق به خاورشناسان است و به‌هیچ‌وجه به پژوهش‌های مسلمانان اعم از ایرانی، ترک و عرب توجه نشده و صرفاً به برخی از میراث اسلامی و البته به‌صورت گزینشی و متناسب

با الگوی مطرح‌شده در پژوهش‌های خاورشناسان توجه شده است. مدخل‌های سه‌گانه ابوطالب در «د. اسلام»، به‌ویژه در دو ویرایش نخست، بسیار قطعی به بی‌ایمانی ابوطالب پرداخته‌اند. چنان به نظر می‌رسد که مؤلفان مداخل سه‌گانه ابوطالب، بدون توجه به پاره‌ای از میراث خاورشناسان غربی، همچنان بر کفر ابوطالب اصرار دارند. حتی نویسنده ویرایش سوم یعنی یوری روبین که در کتاب خود **نگاه بیننده؛ زندگی محمد (ص) از منظر مسلمانان صدر اسلام** به نقد فنی و دقیق روایات تاریخی درباره مسئله ایمان ابوطالب پرداخته و در مقاله خود نیز به همین کتاب ارجاع داده، در کمال تعجب اشاره‌ای به مباحث انتقادی در این باره نمی‌کند و صرفاً به طرح دو گونه روایت متناقض درباره ایمان ابوطالب بسنده می‌کند. البته با طرح مباحث بعدی از جمله طرح نظراهل سنت در تفسیر آیه ۱۱۳ سوره توبه و نظر ابن‌ابی‌الحدید درباره مشکوک بودن دیدگاه شیعیان، همچنان کف ترازو را به سمت کافر بودن ابوطالب می‌چرخاند.

در این بررسی روشن شد که یکی از آسیب‌های مطالعات غربی‌ها در حوزه شیعه‌شناسی، عدم آشنایی آنها با زبان فارسی و پژوهش‌های جدیدی است که در ایران انجام می‌شود. چه اگر یوری روبین که ویرایش سوم مدخل ابوطالب را در سال ۲۰۱۷ م می‌نوشت به یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مطالعات ایرانی در این حوزه یعنی مدخل «ابوطالب» در **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** مراجعه می‌کرد، می‌توانست به نکته نظرات شیعه‌پژوهان معاصر ایرانی دست یابد و بسیاری از اشتباهات خود را رفع کند. مدخل «ابوطالب» (گلشنی، ۱۳۷۸: ۵ / ۶۱۸-۶۲۰) در **دایرةالمعارف بزرگ اسلام** در جلد پنجم و در سال ۱۳۸۷ شمسی و با فاصله چند سال پیش از اثر روبین منتشر شده است.

اگر مداخل ابوطالب در ویرایش‌های سه‌گانه «د. اسلام» یک پروژه در سه مقطع زمانی

1. Rubin, Uri, *The Eye of the Beholder: The Life of Muhammad as Viewed by the Early Muslims, a Textual Analysis*, Studies in Late Antiquity and Early Islam, vol. 5, Princeton, N.J.: The Darwin Press, Inc., 1995.

متفاوت در نظر گرفته شود، تأثیر مطالعات شیعی در ایران و بازتاب آن در غرب به ویژه در مقاله سوم به روشنی مشخص می‌شود. اگرچه با توجه به بررسی آثار تخصصی مربوط به ابوطالب در مطالعات غربی‌ها و همچنین پژوهش‌های شیعیان به زبان‌های عربی و اسلامی در این باره، به نظر می‌رسد مؤلفان مداخل سه‌گانه ابوطالب در «د. اسلام»، به جای سازمان‌دهی و تنظیم مطالعات انجام شده درباره ابوطالب که وظیفه اصلی و ذاتی دایرةالمعارف‌ها است، بیشتر به طرح دیدگاه و نقطه نظرات خود پرداخته‌اند.



منابع

۱. آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۹ ش). **تاریخ پیامبر اسلام**. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن ابی الحدید. (۱۳۷۸ ق)، **شرح نهج البلاغه**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه.
۳. ابن سعد. (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م). **الطبقات الكبرى**. بیروت: دار بیروت.
۴. بدوی، عبدالرحمان. (۱۳۷۵ ش). **فرهنگ کامل خاورشناسان**. ترجمه شکرالله خاگرد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. تقی زاده داوری. (۱۳۸۵ ش). محمود. **تصویر امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام (نقد و ترجمه)**. قم: انتشارات شیعه شناسی.
۶. زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۹۰ ش). **تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)**. تهران: سمت.
۷. سلیم گندمی، حمید. (۱۳۹۴). «عقد الانامل در اثبات ایمان ابوطالب» میرزا ابراهیم بن ابی الفتح زنجانی (متوفای ۱۳۵۱ ق). فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه. س ۱۲. ش ۴۷. تابستان. ص ۱۶۵-۱۸۴.
۸. شکریان، محترم و احترام شکریان (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰). «بازخوانی ایمان مؤمن قریش، حضرت ابوطالب علیه السلام». **دوفصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. س ۱ و ۲. ش ۱ و ۲. زمستان و بهار. ص ۱۶۹-۱۹۰.
۹. صفری، مهدی. (۱۳۹۹ ش). «دایرةالمعارف اسلام». **دانشنامه و دانشنامه نگاری: تاریخچه، روش ها، نمونه ها**. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: کتاب مرجع.
۱۰. طباطبایی، سید محمدکاظم و همکاران. (۱۳۹۴ ش). «سه نکته و بایسته پژوهشی در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام». فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه. س ۱۳. ش ۴۹. زمستان. ص ۱۰۰-۱۱۳.
۱۱. طباطبائی یزدی، علیرضا. (۱۳۹۹ ش). «کتابشناسی توصیفی- تحلیلی حضرت ابوطالب به زبان های اروپایی». **آینه پژوهش**. شماره ۱۸۲. خرداد و تیر. ص ۱۸۷-۲۲۴.
۱۲. گلشنی، عبدالکریم. (۱۳۷۸ ش). «ابوطالب». **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی**. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. فاکر میبیدی، محمد. (۱۳۹۹ ش). «نقد سندی و دلالی نزول آیات قرآن در کفر ابوطالب».

دوفصلنامه الهیات قرآنی (با رویکرد کلامی). س ۸. ش ۷. پیاپی ۱۴. بهار و تابستان. ص ۱۳-۳۸.
۱۴. فخر روحانی، محمدرضا. (۱۳۹۴ ش). «حضرت ابوطالب از نگاه برخی مستشرقان». فصلنامه
تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه. سال دوازدهم. شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب
علیه السلام». تابستان. ص ۹۷-۱۰۶.

15. Buhl, Frants. (1987). "Abu Talib". First Encyclopaedia of Islam. edited by M. Th. Houtsma, et el, Leiden: Brill.

16. Watt, W. Montgomery. (1986). "Abu Talib". The Encyclopaedia of Islam, edited by H. A. R. Gibb, et el, new ed. Leiden: Brill.

17. Rubin, Uri. (2017). "Abu Talib". The Encyclopaedia of Islam. THREE. Edited by Kate Fleet, et el. (https://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopaedia-of-islam-3/*-COM_22171)

18. Donner, Fred McGraw. (1987). "The Death of Abu Talib". in John H. Marks and Robert M. Good (eds.), Love and Death in the Ancient Near East. Studies in Honor of Marvin H. Pope (Guilford, CT: Four Quarters Press). pp. 237-45.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی